

## پرسشنامه الگوهای ارتباطی: اعتبار و روایی

منا صمدزاده

نویسنده مسئول<sup>۱</sup>

کارشناس ارشد روانشناسی، خانواده درمانی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران

محمد رضا شعیری

دانشیار، گروه روانشناسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

علیرضا مهدویان

استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران

نصیرالدین جاویدی

مرکز تحقیقات علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی بقیه ا... (عج)، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۲/۶/۴

تاریخ دریافت: ۹۲/۳/۱۷

### چکیده

**هدف:** مهارت‌های ارتباطی از جمله مهمترین مهارت‌هایی است که در استحکام و بقای رابطه‌ی زناشویی نقش دارند. بدین خاطر سنجش این مهارت‌ها دغدغه مهمی برای متخصصان محسوب می شده است. یکی از ابزارهایی که برای این منظور طراحی شده پرسشنامه الگوهای ارتباطی (کریستینسن و سولواوی، ۱۹۸۴) است که به کارگیری آن در جامعه هدف، نیازمند واری علمی است. بر این اساس هدف مطالعه حاضر تعیین اعتبار و روایی پرسشنامه الگوهای ارتباطی (CPQ) در نمونه‌ای از زنان و مردان متأهل ایرانی بوده است.

**روش:** نمونه‌ای از ۴۰۱ (۱۴۸ زن، ۲۵۳ مرد) کارمند متأهل به شیوه نمونه گیری خوشه‌ای مرحله‌ای انتخاب شدند و مقیاس‌های پرسشنامه الگوهای ارتباطی،

1. Mona.Samadzadeh@gmail.com

پرسشنامه پرخاشگری، مقیاس زوجی انریچ، عاطفه مثبت-منفی، سازگاری زناشویی، عزت نفس و رضایتمندی را تکمیل کردند. به منظور بررسی ارتباط بین متغیرها، همبستگی پیرسون و به منظور بررسی همسانی درونی متغیرها، آلفای کرونباخ به کار گرفته شد.

**یافته‌ها:** تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که پرسشنامه الگوهای ارتباطی (CPQ) از اعتبار مناسبی (آلفای کرونباخ ۰/۷۶) برخوردار است. علاوه بر این، روایی همگرای پرسشنامه با مقیاس‌های ذکر شده (از ۰/۳۰ تا ۰/۹۵) بدست آمد.

**نتیجه‌گیری:** اعتبار و روایی مقدماتی پرسشنامه الگوهای ارتباطی در نمونه‌ای از زنان و مردان متأهل ایرانی، علاوه بر این که با نتایج دیگر کشورها همخوانی داشته است، امکان به کارگیری آن را در گستره‌های پژوهشی و نیز شناسایی نوع مهارت‌های ارتباطی افراد متأهل را در محیط‌های مشاوره‌ای فراهم می‌سازد.

**واژگان کلیدی:** الگوهای ارتباطی، روایی، اعتبار.

## مقدمه

در شرایط کنونی، نقش اساسی «ارتباط» در ازدواج به خوبی شناخته شده است. تحقیقات بسیاری نشان داده‌اند که کیفیت ارتباط زوجین با سازگاری زناشویی آنها ارتباط دارد (گاتمن و کراکف<sup>۱</sup>، ۱۹۸۸؛ ویلیامسون، برادبری، کارنی، فنک و لیو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲). هم چنین جنبه‌های مشخصی از ارتباط متعارض، تغییرات طولانی مدتی را در سازگاری رابطه پیش بینی می‌کند (برادبری و کارنی<sup>۳</sup>، ۱۹۹۳؛ هیاوی، کریستینسن و مالموس<sup>۴</sup>، ۱۹۹۵). بدین خاطر از دیر باز یکی از دغدغه اصلی محققان اندازه گیری و ارزیابی ارتباط زوجین بوده است. در راستای این هدف، پژوهش‌های نظام یافته در مورد تعاملات و ارتباطات زناشویی بوسیله روش‌های مشاهده‌ای از دهه ۱۹۷۰ آغاز شد (ویس و هاپز، پترسون<sup>۵</sup>، ۱۹۷۳) و در سال‌های بعد سیستم‌های کدگذاری مشاهده‌ای متعددی بوجود آمد (ر.ک، فیلسینگر<sup>۶</sup>، ۱۹۸۳). اگرچه روش‌های مشاهده‌ای ارزیابی‌های قابل قبولی را از تعاملات زناشویی فراهم کردند، اما این روش‌ها از معایبی نیز برخوردارند؛ بعنوان مثال، پرهزینه و وقت گیر هستند (هاهلویگ، کاسیر، کریستینسن، فیهلم-ولف اسدروف و گروث<sup>۷</sup>، ۲۰۰۰). از طرفی ضبط تعامل زوجین در آزمایشگاه باعث غیر طبیعی شدن آن می‌شود (الدریج & کریستینسن<sup>۸</sup>، ۲۰۰۲؛ روبرتز<sup>۹</sup>، ۲۰۰۰). این نواقص توانایی رصد تعارض زوجین را که در زمان‌های مختلف (بعنوان مثال مشکلی که صبح همان روز رخ داده) و موقعیت‌های مختلف (بعنوان مثال اتاق خواب، ماشین) رخ داده، محدود می‌کند. بهمین خاطر زوجین احتمالاً درگیر رفتارهایی که منعکس کننده اجتناب و کناره گیری است

1. Gottman, J & Krokoff, L. J.,
2. Williamson, H. C., Bradbury, T. N., Karney, B. R., Fang, X., & Liu, X.
3. Bradbury, T. N., & Karney, B. R.
4. Heavey, C. L., Christensen, A., & Malamuth, N. M.
5. Weiss, R. L., Hops, H., & Patterson, G. R.
6. Filsinger, E. E.
7. Hahlweg, k., Kaiser, A., Christensen, A., Fehm – Wolfsdorf, G., & Groth, T.
8. Eldrige, K. A.
9. Roberts, L. J.

نمی‌شوند و از طرفی این روش‌ها به شیوه کدگذاری محقق وابسته هستند و در نهایت، روش‌های مشاهده‌ای ممکن است ادراک زوجین را از موضوع مورد بحث، منعکس نکند. به منظور رفع محدودیت‌های روش‌های مشاهده‌ای، کریستینسن و سولاوی<sup>۱</sup> (۱۹۸۴) پرسشنامه الگوهای ارتباطی (CPQ)<sup>۲</sup> را طراحی کرده‌اند. این مقیاس از تحقیقات و تجربیات حاصل از کار بالینی و هم‌چنین ماحصل کارهای فوگارتی<sup>۳</sup> (۱۹۷۶)، گاتمن<sup>۴</sup> (۱۹۷۹) و پیترسون<sup>۵</sup> (۱۹۸۳) بدست آمد. CPQ بعنوان یک ابزار خود-گزارش دهی ۳۵ آیتم دارد و ارتباط را در سه مرحله خاص از تعارض زوجین می‌سنجد:

۱. زمانی که مسئله یا مشکلی رخ می‌دهد،

۲. بهنگام بحث در مورد آن، و

۳. پس از بحث.

زوجین هر یک بطور جداگانه، توصیفاتی را از این که بطور کلی در روابطشان چه چیزهایی رخ می‌دهد، می‌خوانند و براساس مقیاس لیکرتی «از خیلی مخالفم (۱) تا خیلی موافقم (۹)» به الگوی خاصی که در روابطشان موجود است، اشاره می‌کنند. کریستینسن و شینک<sup>۶</sup> (۱۹۹۱) سه الگوی ارتباطی را بعنوان زیر مقیاس‌های CPQ در نظر گرفتند: الف) خرده مقیاس ارتباط متقابل سازنده<sup>۷</sup> (هر دو به صحبت در رابطه با مشکل می‌پردازند و احساسات خود را بیان کرده و درگیر مذاکره و مصالحه می‌شوند)، ب) خرده مقیاس طلبکار-بدهکار<sup>۸</sup> (یکی از زوجین غر می‌زند و مطالبه‌گر است در حالی که دیگری کناره‌جویی می‌کند)، و ج) خرده مقیاس اجتناب متقابل<sup>۹</sup> (هر دو از پرداختن به موضوع و هر گونه تماس فیزیکی و عاطفی در

1. Christensen, a., & Sullaway, M.
2. Communication Patterns Questionnaire (CPQ)
3. Fogarty, t. f.
4. Gottman, J. M .
5. Peterson, D. R.
6. Christensen, A., & Shenk
7. Constructive Communication Subscale
8. Demander-Withdraw
9. Mutual avoiding

دوره بعد از تعارض اجتناب می کنند). زوج درمانگران الگوی طلبکار- بدهکار را بعنوان مشکل رایج اغلب زوجینی که بدنبال درمان هستند شناسایی کرده‌اند. کریستینسن (۱۹۸۷ و ۱۹۸۸) در تحقیقی نشان داد که این الگو ارتباط قوی با نارضایتی از ازدواج دارد. همانند همه رفتارها، الگوهای ارتباطی نیز بایستی با توجه به زمینه و بافت فرهنگی مورد مطالعه قرار بگیرد. بمنظور بررسی همسانی بین فرهنگی الگوهای ارتباطی زوجین، کریستینسن و همکاران (۲۰۰۶)، ۳۶۳ شرکت کننده از چهار کشور (برزیل، ایتالیا، تایوان و ایالات متحده) را مورد بررسی قرار دادند. یافته ها نشان داد که در هر چهار کشور، الگوی ارتباط سازنده با رضایتمندی رابطه مستقیم و ارتباط طلبکار-بدهکار با رضایتمندی رابطه معکوس دارد. و هم چنین فراوانی الگوی زن-طلبکار/مرد-بدهکار بیشتر از الگوی مرد-طلبکار/زن-بدهکار بود. این نتایج نشان داد که بطور کلی، زنان در مقایسه با مردان، خواهان نزدیکی بیشتری هستند و تفاوت موجود بین زوجین در تمایل به نزدیکی-استقلال با الگوی طلبکار-بدهکار مرتبط است.

برخی دیگر از تحقیقات نیز نشان دادند که اگر «عنوان» مطرح شده در مشاخره عنوان مطلوب مرد باشد، سبک تعاملی «مرد طلبکار/زن-بدهکار» بیشتر رخ می دهد (هولتزورث-مونرو، اسموتلرو استوارت،<sup>۱</sup> ۱۹۹۸؛ کلین تاب و اسمیت<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶؛ مک جین، مک فارلند و کریستینسن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹). از طرفی طول مدت ازدواج و سطح آزرده‌گی<sup>۴</sup> در پدیدایی این الگو نیز اثرگذار است (الدریج، سیور، جونز، آتکینز و کریستینسن، ۲۰۰۷). کایوگلین<sup>۵</sup> و ونگیلستی<sup>۶</sup> (۲۰۰۰) نشان دادند که میل به نزدیکی و استدلالی بودن با رفتار طلبکارانه رابطه مستقیم و با کناره گیری رابطه معکوس دارد. الگوی ارتباطی طلبکار-بدهکار با نوروژگرای<sup>۷</sup> و منبع کنترل

1. Holtzworth-Munroe, A., Smutzler, N., Stuart, G. L.
2. Klinetob, N. A., & Smith, D. A.
3. McGinn, M. M., McFarland, P. T & Christensen. A
4. Distress level
5. Caughlin, J. P.
6. Vangelisti, A. L
7. Neuroticism

بیرونی<sup>۱</sup> رابطه مستقیم، و هم‌چنین با توافقی بودن<sup>۲</sup>، انعطاف پذیری<sup>۳</sup> و منبع کنترل درونی<sup>۴</sup> رابطه معکوس دارد. کریستینسن (۱۹۸۷ و ۱۹۸۸؛ کریستینسن و شینک، ۱۹۹۱) نشان دادند که فردی که تمایل بیشتری به نزدیکی دارد، در طی تعارض طلبکار خواهد بود؛ در حالی که زوجی که تمایل به حفظ استقلال دارد، کناره‌گیری بیشتری را در حین تعارض نشان می‌دهد. و هر چه زوجین در نیاز به نزدیکی و استقلال تفاوت بیشتری با هم داشته باشند این الگو بیشتر اتفاق می‌افتد (کریستینسن، الدریج، بوکل کاتا-پریتا، لیم و سنتاگاتا؛ ۲۰۰۶). شیفیرت و اسپاورز<sup>۵</sup> (۲۰۱۱) با بررسی ارتباط رفتار طلبکار-بدهکار در میان ۱۲۶ زوج نشان دادند که رفتار طلبکارانه در زنان و مردان با بهزیستی روانی<sup>۶</sup> مردان ارتباط دارد. تاشیر<sup>۷</sup> و فرازیر<sup>۸</sup> (۲۰۰۷) دریافتند که زوج‌ها بهنگام القاء خلق منفی (بحث کردن بر سر مشکلات حاضر) در مقایسه با القاء خلق مثبت (صحبت کردن بر سر جنبه‌های مثبت رابطه) رفتارهای مطالبه‌گرانه و کناره‌جویانه‌ای بیشتری را نشان می‌دادند.

امروزه در تمام دنیا ابزارسازی به عنوان پایه علمی مناسب برای انجام تحقیقات منظور می‌شود، بدین معنا که در وجوب ساخت ابزار اندازه‌گیری رفتارها یا باورهایی که قرار است گزارش شوند یا مورد تغییر و تعدیل قرار گیرند، هیچ تردیدی وجود ندارد. پژوهشگران بدون اتکاء به ابزاری مناسب و علمی، ناتوان در انجام تحقیقی مناسب و علمی خواهند بود و یافته‌های منتج از ابزارهای غیرمعتبر محل تردید قرار خواهد گرفت. از این رو است که امروزه برای تعیین کفایت یک پژوهش در وهله اول کفایت ابزار اندازه‌گیری را مورد بررسی قرار خواهند داد و در صورت معتبر بودن ابزار حکم به اعتبار تحقیق خواهند داد (گیل، ۱۹۹۴). محتوای یک ابزار

1. External locus of control
2. Agreeableness
3. Flexibility
4. Internal locus of control
5. Siffert, A. & Schwarz, B.
6. Subjective Well-Being
7. Tashiro, T.
8. Frazier, P.

باید با فرهنگ و شیوه زندگی کشورها و جوامعی که قرار است ابزار برای آنها بکار گرفته شود، متناسب باشد، ابزاری که در یک کشور خاصی تنها منعکس کننده زبان و فرهنگ آن جامعه است، در چنین وضعیت هنگام استفاده در جامعه دیگری حتی در صورت ترجمه دقیق به علت عدم تناسب محتوایی مشکلات عدیده‌ای را موجب خواهد شد (پشندی، خاقانی‌زاده، و عبادی، ۱۳۸۸). ارزش‌ها و معانی که اجزای یک سازه را منعکس می‌سازند، ممکن است از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر متفاوت باشد.

با توجه به نقش کلیدی نوع ارتباط در زندگی زوجین، و اثر آن در حیطه‌های مختلفی از جمله رضایتمندی و سازگاری زناشویی و هم چنین محدودیت‌هایی که در روش‌های مشاهده‌ای برای سنجش الگوهای ارتباطی وجود دارد، این طور بنظر می‌رسد که پیدایش CPQ بعنوان یک ابزار خود-گزارش دهی توانمند، گشایش تازه‌ای را فراهم ساخته است. چرا که در طی این سال‌هایی که از پیدایش CPQ گذشته، سلی از پژوهش‌ها در حیطه‌های مختلف به راه افتاده و این ابزار که هم جنبه بالینی و هم پژوهشی آن حائز اهمیت است الهام بخش بسیاری از پژوهشگران در بررسی ارتباط زوجین بوده است. به طوری که ارتباط آن با متغیرهای مختلفی هم چون شخصیت (هیاوین، پرباکر و آبراهام<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶)، هوش هیجانی (لین، کیاروچی و هیاوین، ۲۰۰۸<sup>۲</sup>)، افسردگی (یوبلاکر، کورتناج و ویسمن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳)، عزت نفس (بیچ، ویسمان و اولری<sup>۴</sup>، ۱۹۹۸) مورد بررسی قرار گرفته است.

مطالعات روان‌سنجی اعتبار و روایی این پرسشنامه را در نمونه‌های آمریکایی (بعنوان مثال، الدریدج و کریستینسن، ۲۰۰۲) و استرالیایی (نولر و وایت<sup>۵</sup>، ۱۹۹۰) نشان داده اند. بعنوان مثال، نولر و وایت (۱۹۹۰) بمنظور بررسی روایی افتراقی<sup>۶</sup> پرسشنامه الگوهای ارتباطی، ۹۶ زوج با

1. Heaven, P. C. L., Prabhakar, S. M., Abraham, J., M. E.
2. Lynne, S., Ciarrochi, J., & Heaven, P.C. L.
3. Ueblacker, L. A., Courtnage, E. S., & Whisman, M.A.
4. Beach, S. R. H., Whisman, M. A., & O'Leary, K. D.
5. Noller, P., & White, A.
6. discriminant validity

دامنه سنی ۲۱ تا ۶۱ سال مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها زوجین مورد مطالعه خود را با استفاده از پرسشنامه سازگاری متقابل (اسپانیر، ۱۹۷۶) به سه گروه زوجین با سازگاری بالا، متوسط، و پایین تقسیم کردند. نتایج نشان داد که ۲۷ آیتم از ۳۵ آیتم پرسشنامه الگوهای ارتباطی، بطور معناداری توانایی افتراق زوجین با سازگاری بالا، از زوجین با سازگاری پایین دارد. روش تحلیل عاملی، چهار عامل اصلی از قبیل اجبار<sup>۱</sup>، تقابل<sup>۲</sup>، پریشانی پس از تعارض<sup>۳</sup>، و فرایند مخرب<sup>۴</sup> را نشان داد. آلفای کرونباخ عامل‌های مذکور به ترتیب عبارتند از ۰/۸۶، ۰/۸۸، ۰/۷۳، و ۰/۷۹.

علاوه بر این فرم ترجمه شده این مقیاس در کشورهایی هم چون آلمان، سوئیس (بودینمان، کاسیر، هلویگ و فیهلم-ولف اسدورف<sup>۵</sup>، ۱۹۹۸؛ هلویگ و همکاران، ۲۰۰۰) و هلند (کلیور، هیسینک و ون دیولیرت<sup>۶</sup>، ۱۹۹۷) اجرا شده است. کورت و همکاران<sup>۷</sup> (۲۰۰۰) مطابقت پرسشنامه الگوهای ارتباطی را با سیستم مشاهده‌ای (KPI)<sup>۸</sup>، در میان ۸۱ زوج آلمانی بررسی کردند. رفتار زوجین از طریق سیستم کدگذاری مشاهده‌ای (KPI)، بهنگام فرایند حل مسئله، به مدت پانزده دقیقه مورد مشاهده قرار گرفت. همبستگی بدست آمده حمایت کاملی را برای CPQ بعنوان یک ابزار اندازه‌گیری ارتباط زوجین فراهم آورد. همبستگی میان KPI و CPQ، ۰/۵۱ می‌باشد. البته فرم کوتاه این پرسشنامه نیز توسط فوتریس، کمپل، نیسلون، بورول<sup>۹</sup> (۲۰۱۰) تهیه شده است. هایوی، لارسون و زومتوبه<sup>۱۰</sup> (۱۹۹۶) به بررسی اعتبار و پایایی زیرمقیاس ارتباط سازنده الگوهای ارتباطی<sup>۱۱</sup>، در میان ۷۰ زوج پرداختند. زوجینی که علاوه بر پاسخ دادن به

1. Labeled Coercion
2. Mutuality
3. Post-Conflict distress
4. Destructive process
5. Bodenman, G., Kaiser, A., Hahlweg, k., & Fehm-wolfsdorf, G
6. Kluwer, E. S., Heesink. J. A., & Van De Vliert, E.
7. Kurt, H
8. Kategoriensystem fuer Partnerschaftliche Interaction (KPI)
9. Futris, T. G., Campbell, K., Nielson, R. B., Burwell, S. R
10. Heavey, C .L., Larwson, B .M., & Zumtobeh, D. C
11. CPQ-CC



CPQ-CC، رفتارشان بهنگام فرایند حل مسئله، توسط مشاهده گران حرفه‌ای مورد مشاهده قرار گرفت. نتایج حاصل CPQ-CC ارتباط قوی با نتایج حاصل از مشاهده داشت. علاوه بر این CPQ-CC بطور قوی با سازگاری زناشویی مرتبط بود.

کارشناسان خانواده درمانی معتقدند می‌توان با آموزش صحیح و به موقع مهارت‌های ارتباطی به زوجین، از وقوع مشکلات زناشویی و متلاشی شدن خانواده‌ها جلوگیری کرد. بدین خاطر در گام نخست مساله ارزیابی عینی الگوهای ارتباطی زوجین در فرهنگ‌های مختلف، از اهمیت برخوردار است. پرسشنامه الگوهای ارتباطی برای متخصصان خانواده این امکان را بوجود می‌آورد که در عین بازشناسی الگوی ارتباطی زوجین در آغاز درمان و مشاوره، میزان تغییرات الگوهای ارتباطی را در پایان تلاش‌های بالینی خود مورد ارزیابی قرار داده و به شکل عینی‌تری آن را لمس کنند. این در حالی است که ویژگی‌های روان‌سنجی این ابزار تاکنون بطور گسترده برای واری‌مسانی مسائل زناشویی در ایران مورد بررسی قرار نگرفته است و از آنجایی که هرگونه بکارگیری از این ابزار نیازمند واری‌مندی علمی آن در نمونه‌های ایرانی است مساله اساسی تحقیق حاضر اینست که آیا نسخه فارسی پرسشنامه الگوهای ارتباطی (CPQ) در نمونه‌ای از زنان و مردان متأهل ایرانی از اعتبار و روایی مناسبی برخوردار است؟

## روش

مطالعه حاضر از نوع توصیفی است. از بین نهادها، سازمان و ادارات مستقر در شهر تهران، بانک ملت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز و وزارت رفاه و تامین اجتماعی، پس از واری‌مندی در بین ارگان‌ها به دلیل همکاری و اجازه اجرای پرسشنامه‌ها انتخاب گردیدند. نمونه‌گیری در دو مرحله انجام شد. در مرحله نخست ۴۰ آزمودنی (۲۰ زن-۲۰ مرد) از بانک ملت شعبه ایرانشهر به عنوان نمونه اولیه، بمنظور رفع مشکلات احتمالی پرسشنامه الگوهای ارتباطی (CPQ) به صورت داوطلبانه انتخاب شد. در مرحله دوم، از ستاد مرکزی بانک ملت (۱۵۰ نفر)، از بین واحدهای دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز (۲۰۰ نفر) و از وزارت رفاه و تامین اجتماعی (۲۰۰

نفر) از آزمودنی‌هایی که برای همکاری با پژوهشگر آمادگی و رضایت را داشتند انتخاب گردیدند. بنابراین در مجموع ۵۵۰ کارمند متأهل (بین ۱۹ تا ۵۵ سال) مورد واریسی قرار گرفتند که با توجه به نقائص پاسخدهی به پرسشنامه‌ها، در نهایت ۴۰۱ نفر (۱۴۸ زن، ۲۵۳ مرد) نمونه نهایی را تشکیل دادند. ابزارهای مورد استفاده در تحقیق حاضر به شرح زیر بوده‌اند:

پرسشنامه الگوهای ارتباطی<sup>۱</sup>: این مقیاس یک ابزار ۳۵ آیتمی است که ارتباط زوجین را مورد بررسی قرار می‌دهد و زوجین براساس تصور سبک ارتباطی خود، در سه مرحله خاص و مفروض از تعارض زناشویی به سئوالات پاسخ می‌دهند. سه مرحله عبارتند از: الف) زمانی که مسئله یا مشکلی رخ می‌دهد (از طریق سه آیتم سنجیده می‌شود)، ب) هنگام بحث در مورد آن مشکل (هجده آیتم وجود دارد که به بررسی رفتارهایی از قبیل انتقادگری<sup>۲</sup>، سرزنش‌گری<sup>۳</sup>، و اجتناب<sup>۴</sup> اختصاص یافته است) و ج) پس از بحث در مورد مشکل (سیزده آیتم وجود دارد که به پسایندهای تعارض هم چون کناره‌گیری متقابل<sup>۵</sup> و یا مصالحه<sup>۶</sup> می‌پردازد). پاسخ دهندگان مطابق یک مقیاس لیکرتی ۹ گزینه‌ای (از کاملاً ناممکن است تا کاملاً ممکن است) به سئوالات پاسخ می‌دهند. CPQ در برگزیده پنج حوزه است: ۱) ارتباط سازنده<sup>۷</sup>: که حاصل جمع سه آیتمی است که ارتباط سازنده را نشان می‌دهند؛ (آلفای ۰/۷۸ در زنان، ۰/۸۰ در مردان؛ ر.ک. بودینمان و همکاران، ۱۹۹۸، ۲) ارتباط طلبکار- بدهکار کلی<sup>۸</sup>: شش آیتمی که رفتار طلبکارانه یک زوج را در مقابل رفتار کناره‌جویانه دیگری می‌سنجد، (آلفای کرونباخ ۰/۵۵ و ۰/۶۹، بودینمان و همکاران، ۱۹۹۸، ۳) الگوی ارتباطی زن-طلبکار / مرد- بدهکار<sup>۹</sup>: سه آیتمی که نشان می‌دهد زن مطالبه‌گر است در حالی که مرد از پرداختن به موضوع کناره

1. Communication Patterns Questionnaire
2. Criticize
3. Blame
4. Avoidance
5. Mutual Withdrawal
6. Reconciliation
7. Constructive Communication
8. Total amount of demand-withdraw communication
9. Woman demand/man withdraw communication

گیری می کند (آلفای ۰/۶۸ تا ۰/۶۷، بودیمان و همکاران، ۱۹۹۸)، (۴) الگوی ارتباطی مرد-طلبکار / زن-بدهکار<sup>۱</sup>: سه آیتمی که نشان می دهد مرد مطالبه گر است در حالی که زن از پرداختن به موضوع اجتناب می کند، (آلفای ۰/۵۲ و ۰/۷۲، بودیمان و همکاران، ۱۹۹۸)، (۵) کناره گیری متقابل<sup>۲</sup>: سه آیتمی که نشان می دهد هر دو زوج از پرداختن به موضوع اجتناب می کنند، (آلفای ۰/۶۶ و ۰/۶۶؛ بودیمان و همکاران، ۱۹۹۸). تحقیق مقدماتی ما در ایران بر روی ۴۰ نفر (۲۰ مرد، ۲۰ زن) نشانگر آلفای کرونباخ ۰/۷۶ بوده است.

مقیاس سازگاری زن و شوهر<sup>۳</sup> (اسپانیر<sup>۴</sup>، ۱۹۷۶): این مقیاس یک ابزار ۳۲ سوالی برای ارزیابی کیفیت رابطه زناشویی از نظر زن و شوهر یا هر دو نفری است که با هم زندگی می کنند و چهار بعد اصلی را می سنجد این ابعاد عبارتند از: رضایت دو نفری، همبستگی دو نفری، توافق دو نفری و ابراز محبت. آلفای کرونباخ کل مقیاس برابر ۰/۹۶ بوده که از همسانی درونی قابل توجهی برخوردار است و همسانی درونی خرده مقیاس ها بین خوب تا عالی است: رضایت دو نفری = ۰/۹۴، همبستگی دو نفری = ۰/۸۱، توافق دو نفری = ۰/۹۰ و ابراز محبت = ۰/۷۳ (ثنایی، ۱۳۸۷). در پژوهش ملازاده و همکاران (۱۳۸۱) همسانی درونی این ابزار ۰/۹۵ به دست آمد. این مقیاس از روایی همزمان نیز برخوردار است، و با «مقیاس زناشویی لاک-والاس»<sup>۵</sup> همبستگی دارد (اسپانیر، ۱۹۷۶). از این مقیاس در جهت بررسی روایی همگرا، بدلیل وجود رابطه بین سازگاری زناشویی و ابعاد آن با نوع ارتباط زناشویی، استفاده شده است.

مقیاس عاطفه مثبت و منفی<sup>۶</sup> (واتسون، کلارک، تیلگان<sup>۷</sup>، ۱۹۸۸): این مقیاس، ابزار خودسنجی ۲۰ ماده ای است و برای اندازه گیری دو بعد خلق، یعنی «عاطفه مثبت» و «عاطفه منفی» طراحی شده است (واتسون و همکاران، ۱۹۸۸). هر خرده مقیاس ۱۰ ماده دارد. ماده ها بر

1. Man demand/woman withdraw communication
2. Mutual Avoidance
3. Index of Marital Satisfaction
4. Spanier, G. B.
5. Locke-Wallace Marital Adjustment Scale
6. PANAS
7. Watson, C. L. A., Clark, L. A. & Tellegen, A.

روی یک مقیاس پنج درجه‌ای (۱= بسیار کم تا ۵= بسیار زیاد) از سوی آزمودنی رتبه‌بندی می‌شود. پایایی این مقیاس بر اساس آلفای کرونباخ برای مقیاس عواطف مثبت (PA) ۰/۸۸، برای عواطف منفی (NA) ۰/۸۷ و به شیوه بازآزمایی برای مقیاس‌های مذکور به ترتیب ۰/۶۸ و ۰/۷۱ به دست آمده است (واتسون و همکاران، ۱۹۸۸). بخشی پور و دژکام (۱۳۸۴) با استفاده از تحلیل عاملی تاییدی (CFA) و الگویابی معادله ساختاری (SEM) صحت عاملی، اعتبار سازه و پایایی این ابزار بر روی ۲۵۵ نفر دانشجوی مبتلا به اختلالات اضطرابی و افسردگی دانشگاه تهران را مورد بررسی قرار داده است. با کمک این ابزار به خوبی می‌توان بیماران مضطرب و افسرده را از هم جدا کرد و پایایی این دو خرده مقیاس برابر ۰/۸۷ به دست آمده است.

مقیاس حرمت نفس<sup>۱</sup> (آیزنک<sup>۲</sup>، ۱۹۷۶؛ به نقل از عبدالمحمدی، ۱۳۷۶): این پرسشنامه یکی از مؤلفه‌های عمده از عوامل شکل دهنده شخصیت را که مربوط به زمینه کلی سنخ استواری سازگاری در برابر ناستواری هیجانی است، می‌سنجد. استواری سازگاری از صفاتی چون عزت نفس، خوشی، آرامش،... و ناستواری هیجانی از صفاتی چون احساس حقارت، افسردگی، نگرانی،... تشکیل شده است. این آزمون توسط شعیری (۱۳۷۳) ترجمه شده و برخی از ویژگی‌های روان‌سنجی آن مطلوب ارزیابی شده است. نتایج مربوط به مطالعه مقدماتی آزمون یاد شده بیانگر نتایج زیر بوده است: آلفای کرونباخ کل، نیمه اول و دوم به ترتیب ۰/۸۸، ۰/۸۲، ۰/۷۶؛ ضریب اعتبار آزمون ۰/۸۸ و همبستگی دوبار اجرا با فاصله دو هفته ۰/۸۶ (عبدالمحمدی، ۱۳۷۶).

شاخص رضایت زناشویی<sup>۳</sup> هودسن<sup>۴</sup> (۱۹۹۲؛ به نقل از ثنایی، ۱۳۸۷): «شاخص رضایت زناشویی» یک ابزار ۲۵ سئوالی است که برای اندازه‌گیری میزان، شدت یا دامنه‌ی مشکلات زن یا شوهر در رابطه‌ی زناشویی تدوین شده است این آزمون در ایران توسط ساعتی (۱۳۸۰)

1. Self-esteem  
2. Eyzenk  
3. Index of Marital Satisfaction (IMS)  
4. Hudson

روی یک گروه نمونه‌ی ۱۵۸ نفری از دانشجویان دانشگاه های تهران اجرا شد. میانگین این آزمون برای نمونه ایرانی ۲۶/۴۲ (انحراف استاندارد= ۲۳/۴۶) بدست آمد. میانگین آلفای «شاخص رضایت زناشویی» ۰/۹۶ است که نشان دهنده‌ی همسانی درونی عالی و با ضریب همبستگی ۰/۹۶ در روش بازآزمایی دو ساعته، از یک اعتبار کوتاه مدت عالی برخوردار بوده است. «شاخص رضایت زناشویی» از یک روایی همزمان عالی برخوردار است، و با «آزمون سازگاری لاک-والاس»<sup>۱</sup> همبستگی معنادار نشان می‌دهد.

پرسشنامه پرخاشگری<sup>۲</sup> (باس و پری ۱۹۹۲، به نقل از ثنایی، ۱۳۸۷): این پرسشنامه ۲۹ سوالی چهار جنبه از پرخاشگری را می‌سنجد: پرخاشگری فیزیکی<sup>۳</sup>، پرخاشگری کلامی<sup>۴</sup>، خشم<sup>۵</sup>، و خصومت<sup>۶</sup>. «پرسشنامه پرخاشگری» پالایش شده‌ی پرسشنامه خصومت است که بیش از سی سال قبل توسط باس تهیه شده و کاربرد وسیعی داشته است. «پرسشنامه پرخاشگری» از یک خزانه‌ی ۵۲ سوالی استخراج شده که بسیاری از آنها از «پرسشنامه خصومت» با استفاده از روش تحلیل عاملی مولفه اصلی<sup>۷</sup>، و تحلیل عاملی تاییدی<sup>۸</sup> برگزیده شده‌اند. این پرسشنامه با نمره کل سئوالات، میزان پرخاشگری کلی را می‌سنجد، و نمرات خرده مقیاس‌های آن تجلیات گوناگون پرخاشگری را نشان می‌دهد. این پرسشنامه بر روی نمونه‌ای ۲۰۹ نفری از دانشجویان شیراز اجرا شد. اعتبار پرسشنامه از سه روش آلفای کرونباخ، بازآزمایی و تنصیف مورد تحلیل قرار گرفت که به ترتیب، ضرایب ۰/۸۹، ۰/۷۸، ۰/۷۳ بدست آمد. روایی این پرسشنامه هم از طریق شاخص‌های روایی همگرا، همزمان و تحلیل عوامل مورد بررسی قرار گرفت روایی همگرا پرسشنامه با یکدیگر و با کل پرسشنامه، تایید شد که این ضرایب ۰/۳۷ و ۰/۷۸ متغیر و

1. Lock- Wallace Marital Adjustment Test
2. Aggression Questionnaire (AQ)
3. Physical Aggression (PA)
4. Verbal Aggression (VA)
5. Anger (A)
6. Hostility (H)
7. Principle component factor analysis
8. Confirmatory factor analysis

معنادار بودند. روایی همزمان نیز با بکارگیری مقیاس آسیب روانی عمومی، برآورد شد که ضریب همبستگی (۰/۳۴) میان پرسشنامه پرخاشگری و آسیب روانی معنادار بود (محمدی، ۱۳۸۵).

مقیاس زوجی انریچ<sup>۱</sup> (فورز و السون، ۱۹۸۹): این پرسشنامه رضایت زناشویی را می‌سنجد و نسبت به تغییراتی که در خانواده بوجود می‌آید حساس است. فورز و السون (۱۹۸۹) با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی در تحقیق ملی با ۵۰۳۹ زوج نشان دادند که با استفاده از این پرسشنامه می‌توان با دقت ۸۵-۹۵ درصد بین زوجین خرسند و ناخرسند تمایز قائل شد. این مقیاس شامل ۴ خرده مقیاس و دارای ۳۵ ماده می‌باشد که می‌تواند به عنوان یک ابزار تحقیق از جمله رضایت زناشویی، ارتباط، حل تعارض و تحریف آرمانی استفاده گردد.

مقیاس زوجی انریچ چهار خرده مقیاس اصلی دارد که عبارتند از: تحریف آرمانی (گرایش زوجین را در پاسخ به سئوالات بر اساس رفتارهای پسندیده اجتماعی اندازه‌گیری می‌کند)، رضایت زناشویی (رضایت و انطباق افراد با ۱۰ جنبه رابطه زناشویی شامل موضوعات شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، روابط جنسی، ازدواج و فرزندان، اقوام و دوستان، نقش‌های مساوات‌طلبی و جهت‌گیری مذهبی را اندازه‌گیری می‌کند. نمره بالا نشان دهنده رضایت زناشویی بالا است)، ارتباطات (احساسات، نگرش‌ها، و اعتقادات شخص نسبت به میزان و چگونگی روابط زناشویی را می‌سنجد)، حل تعارض (نگرش‌ها، احساسات و اعتقادات همسر را در بوجود آوردن یا حل تعارض و نیز روش‌های زوجین را در پایان دادن به جر و بحث‌ها، ارزیابی می‌کند). پرسشنامه زوجی انریچ توسط دیوید السون در سال ۲۰۰۰ روی ۲۵۵۰۱ زوج متاهل اجرا شد. ضریب آلفای پرسشنامه برای خرده مقیاس‌های رضایت زناشویی، ارتباط، حل تعارض، و تحریف آرمانی به ترتیب از این قرار است: ۰/۸۶، ۰/۸۰، ۰/۸۴، ۰/۸۳ و اعتبار بازآزمایی پرسشنامه برای هر خرده‌آزمون به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۱، ۰/۹۰، ۰/۹۲ بوده است و ضریب آلفای پرسشنامه در پژوهش آسوده

1. Enrich couple scales

(۱۳۸۹) با تعداد ۳۶۵ زوج به ترتیب برابر با ۰/۸۶ (با حذف سؤال ۲۴، آلفای ۰/۷۸ می شود)، ۰/۷۸، ۰/۶۲ و ۰/۷۷ به دست آمد.

شیوه انجام تحقیق:

در این تحقیق مراحل زیر پی گرفته شده است:

۱. دریافت پرسشنامه الگوهای ارتباطی از پروفیسور برایان باکوم<sup>۱</sup>؛
  ۲. ترجمه پرسشنامه الگوهای ارتباطی توسط متخصصین زبان انگلیسی و روان شناسی؛
  ۳. تلفیق و همسان سازی ترجمه ها و آماده سازی یک ترجمه واحد، توسط یکی از نویسندگان مقاله؛
  ۴. باز ترجمه پرسشنامه نهایی توسط یک متخصص زبان انگلیسی؛
  ۵. مطابقت باز ترجمه پرسشنامه با نسخه اصلی توسط محققین؛
  ۶. رفع مشکلات احتمالی ترجمه و باز ترجمه و نهایی سازی متن عبارت ها؛
  ۷. آماده سازی زمینه نمونه گیری؛
  ۸. اجرای مقدماتی پرسشنامه الگوهای ارتباطی در مورد ۴۰ زن و مرد متاهل؛
  ۹. محاسبه آلفای کرونباخ اجرای مقدماتی، و رفع مشکلات احتمالی براساس نظرات پاسخ دهندگان؛
  ۱۰. شروع اجرای اصلی با توجه به توضیح هدف تحقیق برای نمونه ها و کسب رضایت آنها برای شرکت در تحقیق و اجرای همزمان ابزارهای دیگر؛
  ۱۱. انجام تحلیل های مربوط به اعتبار و روانی پرسشنامه الگوهای ارتباطی (CPQ).
- شیوه تحلیل دادها:
- در این تحقیق علاوه بر استفاده از آماره توصیفی، از آلفای کرونباخ، همبستگی پیرسون برای بررسی همبستگی CPQ با دیگر پرسشنامه ها استفاده شده است.

**یافته‌ها**

هدف اصلی تحقیق حاضر، تعیین اعتبار و روایی پرسشنامه الگوهای ارتباطی (CPQ) در نمونه‌ای از زنان و مردان متأهل ایرانی بوده است. بدین خاطر در این قسمت، نخست شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق، سپس موارد مربوط به روایی و اعتبار پرسشنامه الگوهای ارتباطی ارائه می‌شود.

**جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای تحقیق**

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	میانه	نما	بیشینه	کمینه
ارتباط متقابل	۸/۲۹	۱۰/۳۱	۸/۰۰	۲۳/۰۰	۲۱/۰۰	۲۳/۰۰
طلبکار-بدهکار کلی	۲۵/۸۱	۹/۸۹	۲۶/۰۰	۲۲/۰۰	۶/۰۰	۷۹/۰۰
مرد-طلبکار/زن-بدهکار	۱۲/۲	۵/۴۵	۱۱/۰۰	۱۱/۰۰	۳/۰۰	۲۷/۰۰
زن-طلبکار/مرد-بدهکار	۱۳/۵۸	۶/۳۰	۱۳/۰۰	۱۹/۰۰	۳/۰۰	۷۰/۰۰
نقش در طلبکار-بدهکار	۱/۳۴	۶/۴۱	۰/۰۰۰۰۱	۰/۰۰۱	۲۱/۰۰	۶۱/۰۰
اجتناب متقابل	۱۱/۱۲	۵/۲۳	۱۱/۰۰	۱۱/۰۰	۳/۰۰	۲۷/۰۰
<b>عزت نفس</b>	۲۱/۱۳	۴/۸۹	۲۱/۳۰	۲۱/۰۰	۷/۰۰	۳۰/۰۰
عاطفه مثبت	۳۵/۳۴	۶/۸۵	۳۶/۰۰	۳۷/۰۰	۱۷/۰۰	۴۸/۰۰
عاطفه منفی	۲۲/۸۶	۷/۴۳	۲۲/۰۰	۱۸/۰۰	۱۰/۰۰	۴۳/۰۰
<b>رضایتمندی</b>	۰/۴۶	۰/۱۶	۰/۴۲	۰/۴۰	۰/۲۱	۸
فیزیکی	۱۷/۰۲	۴/۵۱	۱۶/۵۰	۱۴/۰۰	۹/۰۰	۲۹/۰۰
کلامی	۱۱/۰۰	۲/۶۹	۱۱/۰۰	۹/۰۰	۵/۰۰	۱۹/۰۰
خصم	۱۷/۳۵	۴/۹۰	۱۶/۵۰	۱۶/۵۰	۸/۰۰	۲۸/۰۰

پرسشنامه الگوهای ارتباطی

پرخاشگری

عاطفه



						مقیاس زوجی از پنج
۳۰/۰۰	۷/۰۰	۱۹/۰۰	۱۷/۰۰	۴/۹۱	۱۶/۷۷	خشم
۹۴/۰۰	۳۷/۰۰	۴۷/۰۰	۶۱/۰۰	۱۱/۷۷	۲۶/۱۴	کل
						مقیاس زوجی از پنج
۴۵/۰۰	۲۱/۰۰	۳۵/۰۰	۳۴/۰۰	۶/۴۸	۳۳/۳۸	رضایتمندی
۴۸/۰۰	۱۹/۰۰	۳۴/۰۰	۳۴/۰۰	۶/۸۸	۳۲/۴۶	ارتباط
۴۲/۰۰	۲۲/۰۰	۳۶/۰۰	۳۱/۰۰	۵/۲۴	۳۰/۸۲	حل تعارض
۲۵/۰۰	۹/۰۰	۱۵/۰۰	۱۶/۰۰	۴/۲۴	۱۶/۶۱	تحریف آرمانی
۴۸/۰۰	۲۲/۰۰	۳۸/۰۰	۳۹/۰۰	۵/۳۵	۳۴/۷۴	رضایتمندی
						سازگاری زناشویی
۲۳/۰۰	۴/۰۰	۲۰/۰۰	۱۷/۰۰	۴/۵۹	۱۶/۲۰	همبستگی دونفری
۶۰/۰۰	۱۵/۰۰	۴۴/۰۰	۴۷/۵۰	۶/۲۵	۴۶/۰۰	توافق
۱۲/۰۰	۰/۰۰۱	۱۲/۰۰	۱۰/۰۰	۲/۷۶	۹/۳۷	محبت
۱۳۵/۰۰	۴۲/۰۰	۱۱۱/۰	۱۱۱/۵۰	۱۹/۰۲۱	۱۱۰/۳۱	کل

در جدول (۱) نتایج توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق از قبیل میانگین، انحراف معیار، میانه، نما، مقادیر بیشینه و مقادیر کمینه ارائه شده است.

۱۴۱

## جدول ۲. ضرایب همبستگی بین الگوهای ارتباطی و متغیرهای تحقیق

متغیر	ارتباط		زن - مرد		نقش ها		اجتناب متقابل
	متقابل	سازنده	طلبکار/زن	طلبکار/مرد	در	متقابل	
عزت نفس (n=۵۷) (=)	**۰/۴۴	*۰/۳۲	*۰/۳۰	۰/۲۵	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	*۰/۳۱
عاطفه مثبت (n=۸۸)	**۰/۳۹	۰/۱۶	۰/۱۵	۰/۱۴	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	**۰/۵۷
عاطفه منفی	*۰/۳۲	۰/۱۳	۰/۱۴	۰/۱	۰/۳۴	۰/۳۴	**۰/۵۳
پرخاشگری	۰/۲۴	**۰/۳۸	*۰/۳۰	*۰/۳۵	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۲۴

فیزیکی						
پرخاشگری کلامی	۰/۱۱	*۰/۳۰	۰/۲۸	۰/۲۴	۰/۰۵-	۰/۰۸-
خصوصیت	*۰/۳۱-	۰/۱۴	۰/۱۳	۰/۱۲	۰/۰۲-	۰/۰۸
خشم	-	۰/۰۹	۰/۰۴	۰/۱۲	۰/۰۷	۰/۲۵
	**۰/۴۰					
پرخاشگری کل	*۰/۳۵-	*۰/۳۱	۰/۲۵	*۰/۲۹	۰/۰۲	۰/۲۰
رضایتمندی	**۰/۵۰	۰/۲۱	۰/۱۱	۰/۲۱	۰/۱۵	۰/۰۳-
همبستگی دو نفری	**۰/۴۵	۰/۲۰-	۰/۱۴-	۰/۱۸-	۰/۱۰-	۰/۲۰-
توافق	**۰/۶۳	۰/۱۳	۰/۰۹	۰/۱۲	۰/۰۷	۰/۰۷-
محبت	**۰/۵۰	۰/۱۳	۰/۱۱	۰/۱۰	۰/۰۴	۰/۱۲-
سازگاری کل	**۰/۶۳	۰/۰۹	۰/۰۵	۰/۰۹	۰/۰۶	۰/۱۲-
رضایتمندی	**۰/۴۷	۰/۰۶-	۰/۱-	۰/۰۰۹-	۰/۰۹	۰/۲۳-
ارتباطات	**۰/۳۶	۰/۲۵-	۰/۱-	*۰/۳۳-	۰/۱۹-	**۰/۳۶-
حل تعارض	۰/۲۱	۰/۱۶-	۰/۰۳-	۰/۲۵-	۰/۱۷-	**۰/۳۶-
تحریف آرمانی	**۰/۴۰	۰/۰۹-	۰/۰۳	۰/۱۸-	۰/۱۸-	*۰/۳۴-
نارضایتمندی (n=۶۲)	-	**۰/۳۳	**۰/۳۵	۰/۲۰	۰/۱۴-	**۰/۳۵
	**۰/۶۴					

n=۱۱ پرسشنامه سازگاری زناشویی (۵۶)

مقیاس زوجی  
n=۷۰ (توزیع)

در جدول (۲) همبستگی بین متغیرهای تحقیق و پرسشنامه الگوهای ارتباطی آورده شده است. همان طور که جدول (۲) نشان می‌دهد بین عزت نفس و الگوی ارتباطی متقابل سازنده همبستگی (۰/۴۴) مثبت و معنادار و بین عزت نفس و الگوهای طلبکار-بدهکار کلی، سبک ارتباطی مرد-طلبکار / زن-بدهکار و اجتناب متقابل به ترتیب  $-۰/۳۲$ ،  $-۰/۳۰$ ،  $-۰/۳۰$ ، همبستگی معنادار وجود دارد. مقادیر همبستگی بین ارتباط متقابل سازنده و عاطفه مثبت، عاطفه

منفی به ترتیب برابر با  $۰/۳۲-$  ،  $۰/۳۹+$  می باشد، با توجه به مقادیر بحرانی معنادار هستند. همبستگی بین اجتناب متقابل و عاطفه مثبت ، عاطفه منفی به ترتیب عبارتند از  $۰/۵۶-$  و  $۰/۵۲+$  که هر دو در مقایسه با مقادیر بحرانی معنادار هستند. بنابراین براساس نتایج مندرج در جدول (۲) می توان گفت که روایی همگرایی CPQ براساس رابطه با عزت نفس و عاطفه مثبت-منفی تایید می گردد.

همان طور که نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل یافته‌ها در جدول (۲) نشان می‌دهد از بین تمام زیر مقیاس‌های پرسشنامه الگوهای ارتباطی، تنها الگوی ارتباطی متقابل سازنده با تمام زیر مقیاس‌های پرسشنامه سازگاری دو نفری از قبیل توافق، محبت، همبستگی دو نفری و سازگاری کل رابطه مثبت معناداری دارد. اگرچه رابطه طلبکار-بدهکار با زیر مقیاس‌های مذکور منفی بدست آمد، اما معنادار نیستند. مقیاس منتخب دیگر بمنظور بررسی روایی همگرا پرسشنامه پرخاشگری است. همان طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود ارتباط متقابل سازنده با زیر مقیاس‌های پرسشنامه پرخاشگری هم چون خصم، خشم، و پرخاشگری کل همبستگی منفی و معناداری دارد. و همان طور که انتظار می‌رفت الگوی طلبکار-بدهکار کلی با زیرمقیاس‌های پرخاشگری فیزیکی، کلامی، و پرخاشگری کل رابطه مثبت دارد. علاوه بر این سبک ارتباطی مرد-طلبکار/زن-بدهکار با پرخاشگری فیزیکی و سبک ارتباطی زن-طلبکار/مرد-بدهکار با پرخاشگری فیزیکی و کل رابطه مثبت معناداری دارد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها در رابطه با خرده مقیاس‌های پرسشنامه زوجی انریچ رابطه مستقیمی را بین الگوی ارتباطی سازنده متقابل و خرده مقیاس‌های رضایتمندی و ارتباطات نشان دادند در حالی که الگوی ارتباطی اجتناب متقابل با حل تعارض و تحریف آرمانی رابطه معکوس دارد. و در نهایت نارضایتی زناشویی با الگوی ارتباطی سازنده متقابل همبستگی منفی و معنادار ( $۰/۶۴$ ) بدست داده است و با الگوهای ارتباطی طلبکار-بدهکار، مرد-طلبکار/زن-بدهکار، و اجتناب متقابل به ترتیب عبارتند از:  $۰/۳۳$ ،  $۰/۳۴$  و  $۰/۳۴$  که همگی در سطح  $۰/۰۱$  معنادار هستند. قابل ذکر است

که فقط همبستگی الگوی ارتباطی زن-طلبکار/مرد-بدهکار با نارضایتی زناشویی ناچیز بوده است.

به منظور واری اعتبار پرسشنامه الگوهای ارتباطی از روش آلفای کرونباخ و تنصیف<sup>۱</sup> استفاده شده است. جداول ۳ و ۴ ضرایب اعتبار پرسشنامه الگوهای ارتباطی به تفکیک مرد، زن و کل به شیوه تنصیف و آلفای کرونباخ را نشان می دهد.

**جدول ۳. مقادیر اعتبار تنصیفی الگوهای ارتباطی بر اساس ضریب همبستگی تصحیح شده‌ی اسپرمن - براون**

گروه	پرسشنامه	تعداد پرسش	ضریب همبستگی
زنان	نیمه اول	۱۸	۰/۶۶
	نیمه دوم	۱۷	۰/۵۴
	کل	۳۵	۰/۸۰
مردان	نیمه اول	۱۸	۰/۶۵
	نیمه دوم	۱۷	۰/۵۴
	کل	۳۵	۰/۷۸
کل	نیمه اول	۱۸	۰/۶۵
	نیمه دوم	۱۷	۰/۵۴
	کل	۳۵	۰/۷۹

**جدول ۴. ضرایب اعتبار الگوهای ارتباطی به روش آلفای کرونباخ**

گروه	آلفای کرونباخ
زنان	۰/۷۶
مردان	۰/۷۶
کل	۰/۷۶

1. Spilt-half

با توجه به مندرجات جداول ۳ و ۴ نتایج نشان داد که این پرسشنامه از اعتبار مطلوبی برخوردار برخوردار است.

### نتیجه گیری

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل داده های پژوهش، شواهد نشان دهنده آن است که پرسشنامه الگوهای ارتباطی (CPQ) از اعتبار مناسبی در جمعیت ۴۰۱ نفری از کارمندان متأهل زن و مرد ایرانی برخوردار بود. نتایج جداول ۳ و ۴ نشان می دهد که مقادیر ضریب اعتبار تنصیفی و آلفای کرونباخ با نتایج پژوهش کریستینسن و سالووی (۱۹۸۴) همسو است.

همان طور که قبلاً اشاره شد، به منظور بررسی روایی همگرا از پرسشنامه پرخاشگری (باس و پری، ۱۹۹۲) استفاده شد. نتایج نشان داد که ارتباط متقابل سازنده با زیر مقیاس های

پرسشنامه پرخاشگری هم چون خصم، خشم، و پرخاشگری کل همبستگی منفی دارد و همان طور که انتظار می رفت الگوی طلبکار-بدهکار کلی با زیرمقیاس های پرخاشگری فیزیکی، پرخاشگری کلامی، و پرخاشگری کل رابطه مثبت داشت. علاوه بر این سبک ارتباطی مرد-طلبکار/زن-بدهکار با پرخاشگری فیزیکی و سبک ارتباطی زن-طلبکار/مرد-بدهکار با پرخاشگری فیزیکی و پرخاشگری کل رابطه مثبت معناداری دارد. این نتایج همخوان با تحقیق برنز، جاکوبسن و گاتمن<sup>۱</sup> (۲۰۰۲) است. آن ها نیز رابطه الگوی طلبکار-بدهکار با پرخاشگری را در ۴۷ زوج با شوهران پرخاشگر، ۲۸ زوج آزرده خاطر با شوهران غیر پرخاشگر و ۱۶ زوج شاد با شوهران غیر پرخاشگر را با هم مقایسه کردند. نتایج مشاهدات آن ها نشان داد که زنان مورد خشونت واقع شده و شوهران پرخاشگر آن ها، در مقایسه با سایر زوجین از ارتباط متقابل سازنده محدودتری برخوردار بودند. علاوه بر این افرادی که دست به خشونت می زدند، بطور معناداری سطوح بالاتری از هر دو رفتار کناره گیری و مطالبه گر بودن را نسبت به سایر مردان

1. Berns, S. B., Jacobson, N. S., & Gottman, J. M.

نشان دادند. روبرتز و نولر<sup>۱</sup> (۱۹۹۸)، نقل از فورنییر و همکاران<sup>۲</sup>، (۲۰۱۰) نقش تعدیل کننده الگوی طلبکار-بدهکار را بین دو متغیر پرخاشگری و دلبستگی نایمن بررسی کردند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که الگوی طلبکار-بدهکار در مردان با پرخاشگری فیزیکی و دلبستگی نایمن بیشتر از گروه گواه به چشم می‌خورد. در مجموع یافته‌ها نشانگر این امر است که برخی ابعاد پرسشنامه الگوهای ارتباطی با پرخاشگری رابطه منفی نشان داده است، این امر به ویژه در ارتباط سازنده متقابل قابل تأمل است. بدین سان می‌توان اشاره نمود که نوع همگرایی بدست آمده، توانسته است با نتایج دیگر تحقیقات نزدیک باشد، و به نحوی از بخشی از روایی پرسشنامه الگوهای ارتباطی حمایت به عمل آورد.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که نارضایتی زناشویی با الگوی ارتباطی سازنده متقابل رابطه معکوس و با الگوهای ارتباطی طلبکار-بدهکار، مرد-طلبکار/زن-بدهکار، و اجتناب متقابل رابطه مستقیم دارد. کایوگلین (۲۰۰۲) در بررسی ارتباط بین الگوی طلبکار-بدهکار و رضایتمندی زناشویی بر روی ۹۰ زوج متأهل نشان داد که همبستگی الگوی ارتباطی طلبکار-بدهکار با رضایتمندی زناشویی، نشان داد که همبستگی الگوی ارتباطی طلبکار-بدهکار با نارضایتی زناشویی (زمانی که یکی از زوجین در طول روز ابراز عاطفی بیشتری دارد) کمتر خواهد بود. تورپل<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۰۴) بمنظور تبیین ارتباط بین نارضایتی زنان از حمایت و رسیدگی شوهرانشان با الگوی ارتباطی طلبکار-بدهکار در دوران پس از زایمان، ۴۹ نفر از زنان جوان را در طی ۸ هفته اول پس از زایمان مورد بررسی قرار دادند. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که الگوی ارتباطی طلبکار-بدهکار می‌تواند بعنوان متغیر تعدیل کننده مناسبی برای ارتباط بین نارضایتی از حمایت شوهران و استرس مادران بشمار آید. در مجموع یافته‌ها نشانگر این امر است که برخی ابعاد پرسشنامه الگوهای ارتباطی با رضایتمندی رابطه مستقیم و معکوس نشان داده است، این امر به ویژه در ارتباط سازنده متقابل قابل تأمل است. بدین سان می‌توان

1. Roberts, N., & Noller, P.  
2. Fournier, B.,  
3. Thorpl, S.R.,

اشاره نمود که نوع همگرایی بدست آمده، توانسته است با نتایج دیگر تحقیقات نزدیک باشد، و به نحوی از بخشی از روایی پرسشنامه الگوهای ارتباطی حمایت به عمل آورد.

تاشیرو و فرازیر<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) دریافتند که زوجین بهنگام القاء خلق منفی (بحث کردن بر سر مشکلات حاضر) در مقایسه با القاء خلق مثبت (صحبت کردن بر سر جنبه های مثبت رابطه) رفتارهای مطالبه گرانه و کناره جویانه ای بیشتری را نشان می دادند. نتایج مطالعه حاضر نیز نشان داد که عاطفه مثبت با ارتباط سازنده، رابطه مثبت و با اجتناب متقابل، رابطه منفی دارد و عاطفه منفی با الگوی ارتباطی سازنده، رابطه منفی و با اجتناب متقابل، رابطه مثبت دارد. با توجه به همبستگی های بدست آمده در مطالعه حاضر می توان چنین نتیجه گیری کرد که خلق منفی بوضوح با اجتناب و کناره گیری از پرداختن به تعارضات زناشویی در ارتباط است و در مقابل گفتگو سازنده درباره مشکل بوجود آمده و ابراز احساسات، با عاطفه مثبت در زوجین مرتبط است. جالب توجه است که نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل تکمیلی داده ها تحقیق حاضر نشان داد که الگوی ارتباطی طلبکار/بدهکار در زنان (و نه در مردان) رابطه قوی با خلق منفی دارد. همان طور که انتظار می رفت علائم افسردگی در زنان بیشتر با الگوی طلبکار-بدهکار مرتبط بود تا در مردان. این نتایج هم خوان با مطالعه ویهسمن<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) و یوبلاگر<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۰۳) می باشد.

کولب و بیچ<sup>۴</sup> (۱۹۹۸) دریافتند که ارتباط بین کیفیت زناشویی و نشانگان افسردگی بوسیله متغیر عزت نفس در زنان تبیین می شود. در مقابل، ارتباط بین علائم افسردگی و نارضایتی زناشویی در مردان با عزت نفس بالاتر کمتر است. نتایج مطالعه حاضر نیز نشان داد که زنان و مردانی که در روابط خود الگوی ارتباطی متقابل سازنده دارند؛ از عزت نفس بالاتری نیز برخوردارند و در مقابل زنان و مردان متاهل با الگوی ارتباطی اجتناب متقابل، طلبکار-بدهکار

- 
1. Tashiro, T. & Frazier, P.
  2. Weissman, M. M.
  3. Ueblacker, L. A.,
  4. Culp, L. N., & Beach, S. R. H.

کلی و سبک مرد-طلبکار/زن بدهکار عزت نفس کمتری دارند. همبستگی‌های بدست آمده بین زیرمقیاس‌های پرسشنامه الگوهای ارتباطی و مقیاس حرمت نفس (آیزنک، ۱۹۷۶) موید روایی همگرایی مناسب این مقیاس است.

همان گونه که قبلا اشاره شد، پرسشنامه سازگاری زن و شوهر، بمنظور ارزیابی کیفیت رابطه زناشویی، چهار بعد اصلی را می‌سنجد که عبارتند از: رضایت دو نفری، همبستگی دو نفری، توافق دو نفری و ابراز محبت. نتایج حاصل از یافته‌های تحقیق نشان داد که زیر مقیاس الگوی ارتباطی سازنده متقابل با تمام زیر مقیاس‌های مذکور همبستگی قوی دارد. در پژوهشی مشابه هیاوی و همکاران (۱۹۹۶) در بررسی اعتبار و روایی زیر مقیاس الگوی ارتباطی سازنده متقابل در ۷۰ زوج متأهل نشان داد این الگوی ارتباطی همبستگی قوی با مقیاس سازگاری دو نفری (اسپانیر، ۱۹۸۹، ۱۹۷۶) دارد. تحقیقات مشابه دیگری نیز نشان داده اند که کیفیت ارتباط و سازگاری زناشویی در زوجین ارتباط دارد. هم چنین جنبه‌های مشخصی از ارتباط متعارض، تغییرات طولانی مدتی را در سازگاری رابطه پیش بینی می‌کند (برادبری و کارنی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۳؛ هیاوی، کریستینسن و مالموس<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵؛ نولر و وایت، ۱۹۹۰). همبستگی‌های بدست آمده بین زیرمقیاس‌های پرسشنامه الگوهای ارتباطی و سازگاری دو نفری (اسپانیر، ۱۹۷۶) موید روایی همگرایی مناسب این مقیاس است.

مقیاس زوجی انریچ، چهار بعد اصلی رابطه زناشویی (رضایتمندی، ارتباطات، حل تعارض، و تحریف آرمانی) را می‌سنجد. بعد رضایتمندی، با الگوی ارتباطی متقابل سازنده رابطه مستقیم و با الگوی طلبکار- بدهکار رابطه معکوس نشان داد. اگرچه همبستگی‌های بدست آمده رضایتمندی و طلبکار- بدهکار معنادار نبود و شیوه حل تعارض، با اجتناب متقابل رابطه معکوس نشان داد. به نظر می‌رسد که اجتناب و کناره گیری متقابل زوجین از پرداختن به تعارض می‌تواند عاملی موثر در شکل گیری نارضایتی در رابطه باشد. از طرفی نتایج حاصله

1. Bradbury, T. N., & Karney, B. R.  
2. Heavey, C. L., Christensen, A., & Malamuth, N. M.



نشان داد که در زنان عدم رضایت از شیوه حل تعارض با الگوی ارتباطی طلبکار- بدهکار بویژه سبک ارتباطی مرد-طلبکار/زن-بدهکار مرتبط است. تحریف آرمانی بعد دیگر مقیاس زوجی انریچ است که میزان توافق با آیین و رسوم زناشویی و گرایش زوجین را براساس رفتارهای پسندیده اجتماعی اندازه گیری می کند. نتایج مطالعه حاضر نشان داد که تحریف آرمانی با الگوی ارتباطی سازنده متقابل رابطه مثبت و با اجتناب متقابل رابطه منفی دارد. بعد آخر ارتباطات است که احساسات، نگرش ها، و اعتقادات شخص نسبت به میزان و چگونگی روابط زناشویی را می سنجد. نتایج مطالعه حاضر نشان داد که ارتباطات با الگوی ارتباطی سازنده متقابل رابطه مثبت و با سبک زن-طلبکار/مرد-بدهکار و اجتناب متقابل رابطه منفی دارد. به طور کلی با توجه به همبستگی های گزارش شده از مطالعه حاضر می توان نتیجه گرفت که پرسشنامه الگوهای ارتباطی (CPQ) از روایی همگرایی مناسبی در نمونه ای از زنان و مردان متاهل ایرانی برخوردار است. در حال حاضر اغلب محققانی که روابط زناشویی را بررسی می کنند بطور قابل ملاحظه ای تمرکز خود را از بررسی ارتباط منفی/مثبت کلی به سوی الگوی طلبکار-بدهکار تغییر داده اند. عدم تنوع شغلی، تحصیلی، صنفی و قومی افراد شرکت کننده، عدم مطالعه نمونه های بالینی، درآستانه ی طلاق و یا ناسازگار، نپرداختن به زوجین و مقایسه نتایج آنها، و استفاده از ابزارهای خاص برای بررسی روایی همگرا می توانند از جمله محدودیت های مطالعه حاضر به شمار روند. پیشنهاد می شود در پژوهش های بعدی اعتبار و روایی پرسشنامه الگوهای ارتباطی در اقشار مختلف و بویژه اقوام ایرانی (کرد، لر، فارس، بلوچ، ترک) و نیز در زوجین بالینی بعنوان مثال زوجین در آستانه ی طلاق، دارای عضو معتاد، آزرده خاطر و... مورد بررسی قرار گیرد و الگوهای ارتباطی گروه های مذکور با هم مقایسه شود. در مجموع می توان گفت که نتایج به دست آمده زمینه به کارگیری پرسشنامه حاضر را، با توجه به محدودیت های مورد اشاره، در گستره های پژوهشی و نیز شناسایی نوع مهارت های ارتباطی افراد متاهل، به طور کلی یا در محیط های مشاوره ای فراهم می سازد، هر چند بلافاصله باید اشاره کرد که استفاده های یاد شده می توانند به غنا یافتن پرسشنامه حاضر نیز یاری رسانند.

## سپاس و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند که از کلیه خانواده‌ها، مسئولین و کارکنان که در اجرای این تحقیق صمیمانه همکاری کردند، تشکر و قدردانی نمایند.

## منابع فارسی

- آسوده، محمد حسین. (۱۳۸۹). *فاکتورهای ازدواج موفق از دیدگاه زوجین خوشبخت*. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه تهران.
- بخشی پور، عباس؛ و دژکام، محمود. (۱۳۸۴). *تحلیل عاملی تاییدی مقیاس عاطفه مثبت و منفی*. مجله‌ی روانشناسی، سال نهم، ۴ (۳۶): ۳۵۱-۳۶۵.
- پشندی، شادی؛ خاقانی زاده، مرتضی؛ و عبادی، عباس. (۱۳۸۸). *مروری بر فرایند ترجمه و تطابق فرهنگی پرسشنامه‌ها*. مجله راهبردهای آموزش، ۲ (۳): ۱۲۰-۱۱۷.
- ساعتی، سهیلا. (۱۳۸۰). *بررسی رابطه میان رضایت از زندگی زناشویی و همدم طلبی- دوری‌گزینی*. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، گروه مشاوره.
- شعیری، محمدرضا. (۱۳۷۳). *تاثیر تلقین بر عملکرد روانی حرکتی با توجه به عزت نفس*. نشریه علمی دانشگاه شاهد، سال سوم، (۹ و ۱۰): ۶۸-۷۳.
- عبدالمحمدی، بهزاد. (۱۳۷۶). *بررسی عملی بودن، اعتبار و روایی و نرم یابی تست عزت نفس آیزنک در مدارس مقطع راهنمایی شهر تهران*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- محمدی، نوراله. (۱۳۸۵). *بررسی شاخص‌های روان‌سنجی پرسشنامه پرخاشگری باس-پری*. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۲۵ (۴): ۱۳۵-۱۵۱.
- ملازاده، جواد؛ منصور، محمود؛ اژه‌ای، جواد؛ و کیامنش، علیرضا. (۱۳۸۱). *سبک‌های رویاروگری و سازگاری زناشویی در فرزندان شاهد*. مجله روانشناسی، (۳): ۲۵۵-۲۷۵.

## منابع لاتین

- Beach, S. R. H., Whisman, M. A., & O'Leary, K. D. (1994). Marital therapy for depression theoretical foundation current status, and future directions. *Behavior Therapy*, (25): 345-371.
- Bodenman, G., Kaiser, A., Hahlweg, k., & Fehm-wolfsdorf, G. (1998). Communication Patterns during marital conflict: A Cross-Cultural representation. *Personal Relationships*, (5): 343 – 356.
- Bradbury, T. N., & Karney, B. R. (1993). Longitudinal Study of Marital interaction and dysfunction: Review and analysis. *Clinical Psychology Review*, (13): 15-27.
- Caughlin, J. P. & Vangelisti, A. L. (2000). An individual difference explanation of why married couples engage in the demand/withdraw pattern of conflict. *Journal of Social and Personal Relationships*, (17): 523-551.
- Christensen, A. (1987). Detection of conflict patterns in couples. In K. Hahlweg & M. J. Goldesein (Eds.), *Understanding major mental disorder: The contribution of family interaction research* (pp. 250-265). New: Family Process Press.
- Christensen, A. (1988). Dysfunctional interaction patterns in couples. In P. Noller & M. A. Fitzpatrick (Eds.), *Perspective on marital interaction* (pp. 31-52). Philadelphia, PA: Multilingual Matters.
- Christensen, A., Eldrige, K., BokelCatta-Preta, A., Lim, V. R., & Santagata, R. (2006). Cross-cultural consistency the demand/withdraw interaction in couples. *Journal of Marriage and Family Therapy*, (68): 1029-1044.
- Christensen, A., Haevay, C.L. (1990). Gender and Social structure in the demand/withdraw pattern of marital conflict. *Journal of personality band social psychology*, (59): 73-81.
- Christensen, A., & Shenk, J. L. (1991). Communication, Conflict, and Psychological distance in non distressed, Clinic, and divorcing COUPLES. *Journal of consulting and Clinical Psychology*, (59): 458 – 463.
- Christensen, a., & Sullaway, M. (1984). Communications patterns Questionnaire. Unpublished questionnaire. Los Angeles: University of California.
- Culp, L. N., & Beach, S. R. H. (1998). Marriage and depressive symptoms: The role and bases of self-esteem differ by gender. *Psychology of Women Quarterly*, (22): 647-663.
- Eldrige, k. a., & Christensen, A., (2002). Demand – Withdraw Communication during Couple Conflict: A review and analysis. In P. Noller & J. A. Feeney (Eds), *Understanding marriage: Developments in the Study of Couple Interaction* (pp. 289-322).
- Eldrige, K. A., Sevier, M. Jones, J., Atkins, D.C. & Christensen, A. (2007). Demand-withdraw communication in severely distressed, moderately distressed, and non-distressed couples: Rigidity and polarity during relation and personal problem discussion. *Journal of Family Psychology*, (21): 218-226.
- Eysenk, H. J. & Wilson, Glenn (1976). *Know your own personality*. London: Penguin Books.

- Fogarty, t. f. (1976). Marital Crisis. In P. G. Guerin (Ed.), Family therapy: Theory and Practice (pp. 325 – 334). New York, NY: Gardner Press.
- Fournier, B., Brassard, A., Shaver, P. R. (2010). Adult Attachment Male Aggression in Couple Relationships: The Demand-Withdraw Communication Pattern and Relationship Satisfaction as Mediators. *Journal of Interpersonal Violence*, 26(10): 1982-2003.
- Fowers, B. J. Olson, D. H. (1989). Enrich Marital Inventory: A Discriminate Validity and Cross-Validity Assessment. *Journal of Marital and Family Therapy*, (15): 65-79.
- Futris, T. G., Campbell, K., Nielson, R. B., Burwell, S. R. (2010). The communication Pattern Questionnaire – Short Form: A review and assessment. *The Family Journal*, 18(3): 275 – 287.
- Gill, T., Feinstein, A., (1994). A critical appraisal of the quality-of-life measurements. *JAMA*; 272(8): 619-26.
- Gottman, J. M. (1979). Empirical Investigations of Marriage. New York, N Y: Academic Press.
- Gottman, J. M. & Krokoff, L. J. (1988). Marital interaction and satisfaction: A longitudinal View. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 57(1) US: American.
- Hahlweg, k., Kaiser, A., Christensen, A., Fehm – Wolfsdorf, G., & Groth, T. (2000). Self – report and observational assessment of Couples' conflict: The concordance between the Communication Patterns Questionnaire and the KPI Observation System. *Journal of Marriage and Family*, (62): 61-67.
- Heaven, P. C. L., Prabhakar, S. M., Abraham, J., M. E. (2006). Personality and Conflict Communication Patterns in Cohabiting Couples, 40(5): 829 – 840.
- Heavey, C. L., Christensen, A., & Malamuth, N. M. (1995). The Longitudinal impact of demand and withdraw conflict. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, (63): 797-801.
- Heavey, C. L., Larwson, B. M., & Zumtobeh, D. C. (1996). The Communication Patterns Questionnaire: The Reliability and Validity of a Constructive Communication Subscale. *Journal of Marriage and the Family*, 58(3)
- Heavey, C. L., Layne, C., & Christensen, A. (1993). Gender and conflict structure in marital interaction: A replication and extension. *Journal of Counseling and Clinical Psychology*, (63): 797-801.
- Holtzworth-Munroe, A., Smutzler, N., Stuart, G. L. (1998). Demand and Withdraw Communication among couples experiencing husband violence. *Journal of Counseling and Clinical Psychology*, (66): 731-743.
- Jacobson, N. S. (1989). The politics of intimacy. *The Behavior Therapist*, (12): 29-32.
- Kurt, H., Kaiser, A., Christensen, A., Fehm- Wolfsdorf, G., Gorth, T. (2000) . Self-Report and Observational Assessment of Couples' Conflict: The Concordance between the Communication Patterns Questionnaire and the KPI Observation system. *Journal of Marriage & Family*, 62(1): 61-67.
- Lynne, S., Ciarrochi, J., & Heaven, P.C. L. (2008). The stability and change of trait emotional intelligence, conflict communication patterns, and relationship satisfaction:

- A one- year longitudinal study. *Personality and Individual Differences*, 45(8): 738-743.
- McGinn, M. M., McFarland, P. T & Christensen. A. (2009). Antecedents and Consequences of Demand/Withdraws. *Journal of Family Psychology*, 23 (5) US: American Psychological Association. 749-757.
- Noller, P., & White, A. (1990). The Validity of Communication Patterns Questionnaire. *Psychological Assessment*, (2): 478 – 482.
- Peterson, D. R. (1983). Conflict. In H. H. Kelley, E., & et al. (Eds.), *Close relationships* (pp. 360 – 396). New York, NY: W. H. Freeman.
- Roberts, L. J. (2000). Fire and ice in marital communication: Hostile and distancing behaviors as predictors of marital distress. *Journal of Marriage and Family*, (62): 693 – 707.
- Spanier, G, B.(1976). Measuring dyadic adjustment: New scales for assessing the quality of marriage and similar dyads. *Journal of Marriage and Family*, (38): 15-28.
- Tashiro, T. & Frazier, P. (2007). The causal effects of emotion on couples' cognition and behavior. *Journal of Counseling Psychology*, (54): 409-422.
- Thorpl, S.R., Krause, E.D., Cukrowicz, K. C., Lynch, T. R. (2004). Postpartum Partner Support, Demand-Withdraw Communication, and Maternal Stress. *Psychology of Women Quarterly*, 28(4): 362-369.
- Ueblacker, L. A., Courtnage, E. S., & Whisman, M.A. (2003). Correlates of Depression and Marital Dissatisfaction: Perceptions of Marital Communication Style. *Journal of Social and Personal Relationship*, (20): 757.
- Watson, C. L. A., Clark, L. A. & Tellegen, A. (1988). Development and validation of brief measures of positive and negative affect: The PANAS scales. *Journal of personality and social psychology*, (54): 1063- 1070.
- Weiss, R. L., Hops, H., & Patterson, G. R. (1973). A framework for conceptualizing marital conflict: A technology for altering it, some data for evaluating it. In F. W. dark & L. A. Hamerlynk (Eds.), *Critical issues in research and practice: Proceeding of the Fourth Banff International Conference on Behavior Modification* (pp. 309-342). Champaign, IL: Research Press.
- Whisman, M. A. (2001). The association between depression and marital dissatisfaction. In S. R.H. Beach (Ed.), *Marital and family process in depression: A scientific foundation for clinical practice* (pp. 3-24). Washington, DC: American Psychological Association.
- Whisman, M. A., & Bruce, M. L. (1999). Marital distress and incidence of major depressive episode in a community sample. *Journal of Abnormal Psychology*, 108(4): 674-678.
- Williamson, H. C., Bradbury, T. N., Karney, B. R., Fang, X., & Liu, X. (2012). Communication behavior and relationship satisfaction among American and Chinese newlywed couples. *Journal of Family Psychology*, 26 (3) US: American Psychological Association pp. 308-315.